

فارسی یازدهم

درس چهاردهم: حمله حیدری

دبیر: محمد محمدی

دلیران میدان گشوده نظر / که بر کینه اول که بدد کمر

قلمرو زبانی: نظر: چشم / کینه: جنگ، دشمنی

قلمرو ادبی: گشوده نظر: کنایه از منتظر ماندن / کمر بستن: کنایه از آماده شدن / نظر: مجاز از چشم

قلمرو فکری: پهلوانان حاضر در میدان منتظر بودند تا ببینند چه کسی ابتدا جنگ را آغاز می کند

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد / برانگیخت ابرش بر افشاند گرد

قلمرو زبانی: ابرش: اسب / آن سپهر نبرد: بدل از عمرو / ابرش: اسب

قلمرو ادبی: بر افشاند گرد: کنایه از به سرعت حرکت کردن / اغراق ک این که عمرو سپهر نبرد باشد

قلمرو فکری: ناگهان عمرو آن جنگ جوی بزرگ اسب خود را به حرکت در آورد و گرد و غباری در هوا بلند کرد

چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت

قلمرو ادبی: آهنین کوه: استعاره از عمرو / جناس: دشت، گشت / اغراق: در توصیف عمرو

قلمرو فکری: وقتی عمرو به دشت نبرد آمد آن قدر بزرگ بود که مانند کوه آهن دیده می شد

بیامد به دشت و نفس کرد راست / پس آن گه باستاد همزم خواست

قلمرو ادبی: دشت: مجاز از میدان جنگ / نفس راست کرد: کنایه از استراحت کردن / واج آرای: س

قلمرو فکری: عمرو به میدان آمد و نفسی تازه کرد سپس ایستاد و مبارز طلبید

حبیب خدای جهان آفرین / نگه کرد بر روی مردان دین

قلمرو زبانی: حبیب خدا: پیامبر / مردان دین: لشکریان اسلام

قلمرو فکری: پیامبر به مبارزان نگاه کرد تا ببیند چه کسی با عمرو مبارزه می کند

همه برده سر در گریبان فرو / نشد هیچ کس را هوس رزم او

قلمرو ادبی: سر در گریبان فرو بردن: کنایه از ترسیدن

قلمرو فکری: در لشکر اسلام همه سرها را به زیر افکنده بودند و هیچ کس داوطلب مبارزه با او نبود

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها

قلمرو ادبی: بازوی دین ، شیر خدا :استعاره از حضرت علی / اژدها: استعاره از عمرو

قلمرو فکری: حضرت علی که یاری دهنده دین و مبارزی شجاع بود داوطلب مبارزه با عمرو شد

بر مصطفی بهر رخصت دوید ازو خواست دستوری اما ندید

قلمرو زبانی : رخصت: اجازه / بر: نزد / دستور: اجازه

قلمرو ادبی: جناس:بر،بهر / واج آرایبی س

قلمرو فکری: برای گرفتن اجازه مبارزه به نزد حضرت رسول آمد ولی ایشان مخالفت کرد

عمرو برای بار دوم مبارز می طلبید.پیامبر از لشکر می پرسد که چه کسی حاضر است با عمرو بجنگد؟لیکن جز علی(ع)کسی اعلام آمادگی نمی کند.پیامبر (ص)به علی هشدار می دهد که او عمرو است. علی(ع) جواب می دهد: من هم علی بن ابی طالبم و پس از گفت و گوهای بسیار ،از پیامبراجازه نبرد می گیرد .در میدان نبرد عمرو از جنگ با علی امتناع می کند؛با این بهانه که نمی خواهم به دست من کشته شوی،اما علی(ع)در پاسخ می گوید:«ریختن خون تو برای من از ملک روی زمین بهتر است.»عمرو ای بار خشمگینانه از اسب پایین می آید و:

به سوی هژبر ژبان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگ جو

قلمرو زبانی: هژبر: شیر / ژبان:خشمگین ،جنگ جو

قلمرو ادبی: هژبر ژبان: استعاره از حضرت علی / شه جنگ جو:استعاره از حضرت علی

قلمرو فکری: عمرو به سمت علی (ع) حمله کرد و علی(ع)برای مقابله با او آمد

دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم

قلمرو ادبی: در صلح بستن: کنایه از جنگیدن / جناس: سوی ،روی

قلمرو فکری: آنها بسیار خشمگینانه به سوی هم حمله کردند و هیچ دری برای صلح باقی نگذاشتند

فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

قلمرو ادبی:جناس:رنگ،جنگ /شیر:استعاره از حضرت علی / پلنگ:استعاره از عمرو / واج آرایبی :گ ،ن / اغراق

قلمرو فکری: آن چنان جنگی روی داد که آسمان وحشت کرد زیرا جنگ دو مبارز قدرتمند همیشه ترسناک است

نخست آن سیه روز برگشته بخت بر افراخت بازو چو شاخ درخت

قلمرو ادبی: سیه روز: کنایه از بدبخت / تشبیه: بازو چو شاخ درخت

قلمرو فکری: ابتدا عمرو بدبخت دستانش را مانند شاخه درخت بالا برد

سپر بر سر آورد شیر اله علم کرد شمشیر آن اژدها

قلمرو ادبی: جناس: بر، سر / شیراله: استعاره از حضرت علی / اژدها: استعاره از عمرو

قلمرو فکری: عمرو شمشیرش را بالا آورد و علی (ع) برای دفاع سپرش را روی سرش آورد

بیفشرد چون کوه پا بر زمین بخایید دندان به دندان کین

قلمرو ادبی: دندان به دندان خاییدن: کنایه از عصبانی شدن / تشبیه: بیفشرد چون کوه پا بر زمین

قلمرو فکری: حضرت علی چون کوه مقاومت کرد و عمرو از این مقاومت عصبانی شد

چو ننمود رخ شاهد آرزو به هم حمله کردند باز از دو سو

قلمرو ادبی: ننمود رخ: کنایه از به هدفشان نرسیدند

قلمرو فکری: وقتی هیچ یک از پهلوانان به پیروزی نرسیدند بار دیگر از دو طرف به هم حمله ور شدند

نهادند آوردگاهی چنان که کم دیده باشد زمین و زمان

قلمرو ادبی: آوردگاه: مجاز از جنگ / جناس: زمین، زمان

قلمرو فکری: آن چنان جنگی بین آنها صورت گرفت که مردم هیچ دوه ای چنان جنگی را ندیده اند

ز بس گرد از آن رزمگه بر دمید تن هردو شد از نظر ناپدید

قلمرو زبانی: رزمگه: میدان جنگ / بردمید: بلند شد

قلمرو ادبی: اغراق در توصیف میدان جنگ

قلمرو فکری: در میدان جنگ چنان گرد و خاکی برخاست که پهلوانان دیده نمی شدند

زره لخت لخت و قبا چاک چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک

قلمرو ادبی: تناسب: زره، قبا

قلمرو فکری: لباس آنها پاره پاره و سر و صورتشان پر از گرد و خاک شد

چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد حرب

قلمرو ادبی: جناس:ضرب،حرب

قلمرو فکری: آن دو در جنگیدن چنان ماهر بودند که هر نوع حمله ای را دفع می کردند

شجاع غضنفر وصی نبی نهنگ یم قدرت حق علی

قلمرو زبانی: غضنفر: شیر / یم: دریا /

قلمرو فکری: آن شیر شجاع جانشین پیامبر او که در دریای قدرت الهی مانند نهنگ بزرگ

چنان دید بر روی دشمن ز خشم که شد ساخته کارش از زهر چشم

قلمرو ادبی: جناس:خشم،چشم / شد ساخته کارش:کنایه از کشته شد / خشم:مجاز از نگاه

قلمرو فکری: چنان نگاهی به عمرو انداخت که در اثر همان نگاه خشمگینانه کار عمرو ساخته شد

بر افراخت پس دست خیبر گشا پی سر بریدن بیفشرد پا

قلمرو ادبی: تناسب: دست،پا،سر / خیبر گشا: تلمیح به فتح قلعه خیبر /

قلمرو فکری: علی (ع)دستان نیرومند خود را بالا برد و خواست او را بکشد

به نام خدای جهان آفرین بینداخت شمشیر را شاه دین

قلمرو ادبی:شاه:دین: استعاره از حضرت علی / واج آرای ن

قلمرو فکری: حضرت علی با ذکر خدا شمشیر را بر عمرو زد

چو شیر خدا راند بر خصم تیغ به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

قلمرو زبانی: خصم: دشمن / تیغ: شمشیر / به سر کوفت: اظهار درماندگی کرد

قلمرو فکری:در آن هنگام که علی(ع)شمشیر را بر گردن عمرو فرود آورد شیطان بر سر خود زد و افسوس

خورد

پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت خانه ها در فرنگ

قلمرو ادبی: جناس:رنگ،فرنگ

قلمرو فکری:با ضربه علی(ع)کافران به شدت ترسیدند و بت خانه هها به لرزه در آمدند

غضنفر بزد تیغ بر گردنش در آورد از پای بی سر تنش

قلمرو ادبی: در آورد از پای: کنایه از کشتن / تناسب: گردن، پا، سر

قلمرو فکری: علی (ع) با شمشیر بر گردن او زد و سر را از تنش جدا کرد و او را کشت

دم تیغ بر گردنش چون رسید سر عمرو صد گام از تن پرید

قلمرو ادبی: تناسب: گردن، تن، سر

قلمرو فکری: وقتی که لبه شمشیر بر گردن عمرو رسید سرش به صدها قدم دورتر پرتاب شد

چو غلتید در خاک آن ژنده فیل بزد بوسه بر دست او جبرئیل

قلمرو ادبی: ژنده فیل: استعاره از عمرو

قلمرو فکری: وقتی عمرو کشته شد جبرئیل به نشانه احترام بر دستان علی (ع) بوسه زد

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه های زیر را از متن درس بیابید

اسب: (ابرش) اجازه (رخصت) شیر (غضنفر)

۲. چهار واژه مهم املائی از متن درس انتخاب کنید و بنویسید

۳. در بیت بیست و یکم گروه های اسمی و هسته هریک را مشخص کنید

گروه اسمی: به اسم های موجود در یک جمله گروه اسمی می گویند، یعنی ما به یک کلمه هم اسم می

گوییم و به یک اسم با وابسته های آن هم یک گروه اسمی می گوییم

چنان دید بر روی دشمن ز خشم که شد ساخته کارش از زهر چشم

روی: هسته - دشمن: گروه اسمی (مضاف الیه) - زهر: هسته - چشم: مضاف الیه

قلمرو ادبی

۱. در متن درس دو نمونه استعاره بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

شیراله: استعاره از حضرت علی / اژدها: استعاره از عمرو

۲. مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

دندان به دندان خاییدن : کنایه از عصبانی شدن

رنگ باختن: کنایه از ترسیدن

۳. دو نمونه از کاربرد آرایه اغراق را در متن درس بیابید.

بیت یازدهم و بیت بیست و یکم

قلمرو فکری

۱. معنی و مفهوم بیت ششم را به نثر روان بنویسید

۲. پیام ابیات زیر را بنویسید

چو شیر خدا راند بر خصم تیغ به سرکوفت شیطان دو دست دریغ

پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت خانه ها در فرنگ

برحق بودن حضرت علی و رنگ باختن نقشه کفار در پی شجاعت های حضرت علی

۳. داستان زیر را که از مثنوی مولوی انتخاب شده است به لحاظ محتوا مقایسه کنید

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزله از دغل

در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری بر آورد و شتافت

او خدو انداخت در روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز زین عمل وز نمودن عفو و رحمت بی محل

گفت: برمن تیغ تیز افراستی از چه افکندی مرا بگذاشتی؟

گفت: من تیغ از پی حق می زنم بنده حقم نه مامور تنم

شیر حقم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گوا

شعر مولانا جنبه تعلیمی دارد ولی شعر حمله حیدری حماسی است – هدف مولانا از سرودن این شعر جنبه

عرفانی آن بوده ولی حمله حیدری جنبه پهلوانی دارد – هردو شعر در قالب مثنوی سروده شده است –

موضوع هردو شعر مشترک است